



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بهشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۳۰ دی ۱۳۹۶

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

مصادف با: ۲ جمادی الاولی ۱۴۳۹

موضوع جزئی: الثانی: غسل الیدین - وضو با آبرسانی، وضو با آب باران

جلسه: ۴۷

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین واللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۵۱۱: «یصحّ الوضوء بالارتماس مع مراعاة الأعلى فالأعلى، لكن فی الید اليسرى لا بُدَّ أن یقصد الغسل حال الإخراج من الماء حتّى لا یلزم المسح بالماء الجدید، بل و کذا فی الید الیمنی إلاً أن یبقى شیئاً من الید اليسرى لیغسله بالید الیمنی حتّى یكون ما یتقی علیها من الرطوبة من ماء الوضوء»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، وضو ارتماسی با مراعات اعلی فالاعلی [از بالا به پایین بودن] صحیح است، لکن در دست چپ، شخص باید هنگام خارج کردن دست از آب، شستن را قصد کند تا مسح با آب جدید [آب غیر وضو] لازم نیاید، بلکه در دست راست نیز چنین است [یعنی شخص باید هنگام خروج دست از آب، شستن را قصد کند] مگر اینکه چیزی از دست چپ باقی بماند تا آن را با دست راست بشوید تا آنچه از رطوبت که بر آن [دست راست باشد] باقی مانده است از آب وضو باشد.

دلیل صحت وضوی ارتماسی

صحت وضو ارتماسی، امری است که مورد اتفاق همه علماست و مخالفی ندارد.

آیت الله حکیم (ره)، فرموده است که صاحب جواهر (ره) این اتفاق را نقل کرده است.^۲

مقتضای ادله وضو نیز این است که وضوی ارتماسی صحیح است چون آنچه از وضو انتظار می رود این است که آب بر پوست استیلا پیدا کند و شسته شود که این شستن، هم با وضو ترتیبی محقق می شود و هم با وضوی ارتماسی محقق می شود و آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...»^۳ نیز اطلاق دارد و وضوی ارتماسی را نیز شامل می شود. بنابراین، همان ادله ای که در باب وضوی ترتیبی بیان شد، وضوی ارتماسی را نیز شامل می شود.

همچنین، روایاتی که در رابطه با کیفیت وضو گرفتن وارد شده بودند بر شستن اعضای وضو دلالت داشتند و شستنی که در این روایات آمده بود، مطلق است و وضوی ارتماسی را نیز شامل می شود.

در اینجا دو مطلب مطرح است که باید به این دو مطلب توجه شود.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که امری که به چیزی تعلق می گیرد باید جنبه ایجاد و احداث داشته باشد و امر مولا به چیزی که حالت بقا و استمرار دارد، تعلق نمی گیرد؛ مثلاً زمانی که شخص در مسجد نشسته است اگر امری از جانب مولی مبنی بر نشستن

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. سید محسن، حکیم طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳. «المائدة»: ۶.

در مسجد صادر شود و مولی بگوید: «أدخل المسجد» و شخص در مسجد نشسته باشد، امر مولی را امتثال نکرده است لذا برای اینکه امر مولی امتثال شود باید از مسجد خارج شود و دوباره به مسجد برگردد تا احداث و ایجاد متعلق امر مولی، صدق بکند. ثمره این سخن در مبنای علما ظاهر می‌شود و آن، این است که آیت الله خوئی (ره) معتقد است که در باب وضوی ارتماسی، شستن ارتماسی کفایت نمی‌کند چون احداث و ایجاد تحقق پیدا نکرده است چون قصد شستن در هنگام خروج دست از آب، متعلق امر مولی را ایجاد نمی‌کند، چون دست مذکور، در آب بوده است و چیزی ایجاد نشده است، همچنین، دستی که از آب خارج می‌شود نیز مشکل دارد و امر به «إِغْسِلْ» که از جانب مولی صادر شده است آن را شامل نمی‌شود زیرا چیز جدیدی احداث نشده است، بلکه همان بقا و استمرار حالت سابق است لذا آیت الله خوئی (ره) فرموده است که تنها راهی که برای صحت وضوی ارتماسی متصور است این است که هنگامی که شخص، دست خود را در آب فرو می‌برد و حالت احداث و ایجاد پیدا می‌کند، نیت کند. اما، مرحوم سید (ره) بر خلاف آیت الله خوئی (ره) معتقد است که اگر شخص، هنگام بیرون آوردن دست از آب، شستن را قصد کند [تا مسحی که بعد انجام می‌دهد با آب غیر وضو نباشد]، وضویش صحیح است.

بنابراین، در مانحن فیه دو بحث مطرح است:

اول، اینکه اصل وضوی ارتماسی جایز است یا جایز نیست؟

عرض شد که ادله‌ای که در باب وضو وارد شده‌اند، مطلقند و به اطلاقشان وضوی ارتماسی را نیز شامل می‌شوند.

دوم، اینکه آیا قصد غَسْل در حال اخراج دست از آب، کفایت می‌کند یا کفایت نمی‌کند؟

نظر مرحوم سید (ره) این است که قصد غَسْل در حال خارج کردن دست از آب، کفایت می‌کند، ولی آیت الله خوئی (ره) فرموده است که وجهی برای صحت وضوی که هنگام خروج دست از آب، قصد غَسْل شده است، نیست چون هر امری که متعلق به هر فعلی از افعال مکلفین است باید حالت ایجاد و احداث داشته باشد تا صدق کند که امر مولی امتثال شده است نه اینکه مراد، بقا و استمرار باشد لذا در هنگام وضوی ارتماسی نیز اگر شخص در هنگام اخراج دست از آب، غَسْل را قصد کرده باشد، امر مولی را امتثال نکرده است چون چیز جدیدی ایجاد نشده است، بلکه دست در آب بوده است و شخص، هنگام خروج دست از آب، قصد غَسْل کرده است لذا چون چیز جدیدی ایجاد نشده است، امتثال امر مولی صدق نمی‌کند بنابراین، وقتی مکلف، در وضوی ارتماسی دست خود را در آب قرار می‌دهد و در نتیجه آن، غَسْل محقق می‌شود، هرچند که ایجاد و احداث است، ولی چون نیت و قصد وضو نکرده است، وضویش صحیح نیست و هنگام خروج دست از آب که قصد غَسْل می‌کند نیز چون ایجاد و احداثی در کار نیست، بلکه بقاء و استمرار حالت سابق است لذا وضویش صحیح نیست.

البته اکثر علما گفته‌اند که در سه صورت، وضوی ارتماسی صحیح است؛ اول، اینکه شخص هنگام داخل کردن دست در آب، غَسْل را قصد کند؛ دوم، اینکه شخص، هنگامی که دستش داخل در آب است، غَسْل را قصد کند و سوم، اینکه شخص هنگام خروج دست از آب، غَسْل را قصد کند.

گفته‌اند که عرفاً وضوی ارتماسی به نحوی که شخص هنگام خروج دست از آب، غَسْل را قصد کند، صحیح است.

مسألة ۵۱۲: «يجوز الوضوء بماء المطر، كما إذا قام تحت السماء حين نزوله، فقصد بجريانه على وجهه غسل الوجه مع مراعاة الأعلى فالأعلى و كذلك بالنسبة إلى يديه و كذلك إذا قام تحت الميزاب أو نحوه و لو لم ينو من الأول، لكن بعد جريانه على جميع محالّ

الوضوء مسح بيده على وجهه بقصد غسله و كذا على يديه إذا حصل الجريان كفى أيضاً و كذا لو ارتمس في الماء ثم خرج و فعل ما ذكر^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، وضو گرفتن با آب باران جایز است، مثل اینکه شخص هنگام نزول باران زیر آسمان بایستد، پس هنگام جریان آب بر صورتش، شستن صورت را با رعایت از بالا به پایین بودن غسل، قصد کند و همچنین، است نسبت به شستن دست‌هایش و همچنین، اگر شخص زیر ناودان و مثل آن بایستد؛ هرچند که از ابتدا قصد نکرده باشد، لکن بعد از جریان آب بر همه اعضاء وضو، به قصد شستن صورت، آب را بر صورتش کشیده است و همچنین، آب را به قصد شستن بر دو دستش کشیده است که در صورتی که جریان آب محقق شود، کفایت می‌کند و همچنین، اگر شخص به صورت ارتماسی در آب داخل شود، سپس از آب خارج شود و دستش را به قصد غسل وجه بر صورت بکشد و سپس به قصد غسل دو دستش، بر دو دست بکشد، وضویش صحیح است.

دلیل حکم مذکور، اطلاقات ادله باب وضو است؛ به این معنی که اگر آب بر مغسول [صورت و دست‌ها] مستولی شود، کفایت می‌کند.

آیت الله حکیم (ره) فرموده است که صاحب جواهر (ره) و دیگران نیز بر این مسأله اتفاق نظر دارند^۲.

همچنین، روایت ذیل بر صحت وضوی مذکور، دلالت دارد:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ لَا يَكُونُ عَلَى وَضُوءٍ فَيَصِيبُهُ الْمَطَرُ حَتَّى يَنْتَلِ رَأْسُهُ وَلِحْيَتُهُ وَجَسَدُهُ وَيَدَاهُ وَرِجْلَاهُ؛ هَلْ يُجْزِيهِ ذَلِكَ مِنَ الْوُضُوءِ؟ قَالَ: «إِنْ غَسَلَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزِيهِ»^۳.

نظر آیت الله خویی (ره)، در این مسأله نیز مثل مسأله قبل با نظر مرحوم سید (ره) مخالف است چون ایجاد و احدائی در کار نیست لذا امر مولی امتثال نشده است و لذا چنین وضویی صحیح نیست.

ذکر «مطر» در کلام مرحوم سید (ره)، از باب مثال است لذا اگر شخص زیر ناودان، آبشار و امثال آن بایستد نیز حکم باران را دارد.

دلیل صحت وضو در جایی که شخص از ابتدا غسل را نیت نکرده است، لکن بعد از جریان آب بر همه اعضاء وضو، به قصد شستن صورت، آب را بر صورتش کشیده است و همچنین، آب را به قصد شستن بر دو دستش کشیده است، این است که ملاک و مناط، تحقق غسل است و در مانحن‌فیه نیز غسل محقق شده است و ریختن آب بر محل وضو از باب مقدمیت است و گرنه هدف، تحقق غسل و شسته شدن صورت و دست‌هاست که با عدم نیت از ابتدا نیز محقق می‌شود.

مسأله ۵۱۳: «إِذَا شُكَّ فِي شَيْءٍ أَنَّهُ مِنَ الظَّاهِرِ حَتَّى يَجِبَ غَسْلُهُ أَوِ الْبَاطِنِ فَلَا، الْأُحْوَطُ غَسْلُهُ إِلَّا إِذَا كَانَ سَابِقاً مِنَ الْبَاطِنِ وَ شَكَّ فِي أَنَّهُ صَارَ ظَاهِراً أَمْ لَا، كَمَا أَنَّهُ يَتَعَيَّنُ غَسْلُهُ لَوْ كَانَ سَابِقاً مِنَ الظَّاهِرِ ثُمَّ شَكَّ فِي أَنَّهُ صَارَ بَاطِناً أَمْ لَا»^۴.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. سید محسن، حکیم طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۶، ص ۴۵۴، ح ۱.

۴. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۸.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر در رابطه با عضوی شک شود که از ظاهر بدن است تا شستن آن واجب باشد یا از باطن است تا شستن آن لازم نباشد، احتیاط واجب این است که باید آن را بشوید مگر اینکه قبلاً از باطن بدن بوده است و شک شود که ظاهر شده است یا ظاهر نشده است [که در این صورت شستن آن لازم نیست]، کما اینکه اگر سابقاً از ظاهر بدن بوده است سپس شک شود که باطن شده است یا باطن نشده است، شستن آن متعین است [، یعنی واجب است که آن را بشوید].

«الحمد لله رب العالمین»